

پیامدهای حمله موشکی سپاه به اسرائیل

خطر بزرگی مردم ایران را تهدید میکند

صفحه ۳

سیاوش دانشور

در یک نگاه

نگتان باد

صفحه ۵

رحمان حسین زاده

لغو مجازات اعدام

گفتگوی منصور حکمت با رادیو انترناسیونال

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

گفتگوی منصور حکمت با فصلنامه خاوران

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

کشتار کارگران معادن طبرس در ایران ناشی از بی توجهی

کارفرمایان و دولت است!

کمیته همبستگی با جنبش کارگران ایران

ستون آخر،

تراژدی معدن طبرس در هیاهوی فضای جنگی

صفحه ۱۶

سیاوش دانشور

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۳ مهر ۱۴۰۳ - ۱۴ اکتبر ۲۰۲۴

اعلامیه حزب حکمتیست

دورنمای خونین گسترش

جنگ در خاورمیانه

شنبه شب ۲۷ سپتامبر، بمباران سنگین و حملات هوایی دولت اسرائیل به مراکز فرماندهی حزب الله در بیروت و کشتن حسن نصرالله و شماری از فرماندهان دیگر، اوضاع منطقه را با یک بحران جدی روبرو کرده است. علیرغم منفعت دولتها و نیروهای متفرقه سیاسی در جنگ جاری، بجز دولت نتانیاهو هیچکدام خواهان گسترش جنگ نیستند. دولت نتانیاهو با قلدری و تحقیر سازمان ملل و نفی هر طرح آتش بس در غزه، برای بقای خود و نفی پایان جنگ و آتش بس و حل مسئله فلسطین به جنگ و پروکاسیون برای گسترش جنگ نیاز دارد و مرتباً برای آن تلاش میکند. ترور هنیه در تهران و حمله به مرکز فرماندهی حزب الله در لبنان، با هدف مشخص ترور حسن نصرالله توسط دولت اسرائیل، جنگ و بحران جاری در منطقه را وارد فاز نوینی میکند. امروز شنبه ۲۸ سپتامبر کشته شدن حسن نصرالله و تعدادی از فرماندهان دیگر حزب الله تأیید توسط ارتش اسرائیل و رسانه های حزب الله و جمهوری اسلامی تأیید شد. معنای این فاز نوین اینست که چهارچوب درگیریها سطح تقابلهای محدود و کنترل شده سابق را پشت سر گذاشته و دولت اسرائیل سیاست تهاجمی تری با هدف تحمیل یک توازن

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دورنمای خونین گسترش جنگ در خاورمیانه...

سیاست ایران در روزها و هفته های آتی دستخوش تحولات مهمی میشود. هر نوع ورود مستقیم جمهوری اسلامی به جنگ با حملات وسیع دولت اسرائیل و متحدین روبرو خواهد شد و هر نوع سکوت و عقب نشینی موقعیت رژیم و "محور مقاومت" اش را بیشتر دچار بحران و واگرایی خواهد کرد. جنگ تروریستها و اهداف آن تماماً ضد جامعه و ارتجاعی است و حاصلی جز تروریزه کردن جوامع، کشتار انسانهای بیگناه و سلب حقوق اولیه مردم نداشته و ندارد. هر اقدام تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل به نیروهای تروریستی اسلام سیاسی پلاتفرم میدهد و هر عمل جنبش تروریستی اسلام سیاسی موقعیت نیروهای اولترا راست و فاشیست در هیئت حاکمه اسرائیل و کمپ تروریسم دولتی را تقویت میکند.

حزب کمونیست کارگری - حکمونیست گسترش جنگ و تروریسم هوایی و میلیتاریزه کردن بیشتر منطقه توسط دولتهای تروریستی را محکوم میکند. فراخوان ما به طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه جهان اینست که در مقابل قلدری و تروریسم دولتی اسرائیل و موثلفینش برای توقف فوری نسل کشی در غزه و حل مسئله فلسطین بمیدان بیایند. ما و مردم آزادیخواه در ایران و منطقه، کنار هیچ سوی این جدال تروریستی قرار نمیگیریم. درعین حال باید از هر تناسب قوای جدید برای گسترش مبارزه مستقل و انقلابی علیه جمهوری اسلامی بهره جست. منفعت ما و طبقه کارگر در پایان دادن به جنگ تروریستها، سرنگونی جمهوری اسلامی و دولتهای مستبد و آدمکش، گسترش مبارزه برابری طلبانه و سوسیالیستی کارگران و مردم منطقه علیه نظم کنونی و دولتهای مرتجع حافظ آنست. فراخوان ما به کارگران و مردم آزادیخواه ایران اینست که با تشدید مبارزه انقلابی علیه تبلیغات جنگی و قلدری نظامی بایستیم. منفعت مردم در ایران و کشورهای منطقه هیچوقت توسط تروریستهای متفرقه دولتی و غیردولتی نمایندگی نشده و نمیشود. سیاست انقلابی علیه جنگ تروریست ها و اهداف ارتجاعی آنهاست. برای مبارزه با تروریسم باید دولتهای تروریستی را بزیر کشید و نیروهای تروریستی را از میدان بدر کرد. تنها گسترش مبارزه جنبشهای سکولار و پیشرو، جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب میتواند تروریسم و میلیتاریسم را منزوی و شکست دهند.

نه به تروریسم دولتی، نه به تروریسم اسلامی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری - حکمونیست

۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴ - ۷ مهر ۱۴۰۳

زنده باد شوراها!

**ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا
ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!
امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!**

قوای جدید در دستور خود گذاشته است. عملیات انفجار هزاران پیجر و بیسیم و لپ تاپ و لوازم الکترونیکی، در ادامه حمله هوایی به مراکز انبار مهمات و سکوهای پرتاب موشک حزب الله در لبنان و سپس حمله به مرکز فرماندهی حزب الله پرده هائی از این تغییر سیاست اند.

در این میان بخشی از مردم عادی و غیر نظامی، مراکز مسکونی، آوارگان جنگی و کودکان به بهانه مقابله ارتش اسرائیل با حزب الله قتل عام شدند و فراتر قلمرو جدیدی از افسار گسیختگی تروریسم دولتی و ارتکاب جنایت و مجازات جمعی با مخاطرات و پیامدهای بزرگ را در مقابل بشریت گذاشتند. این عملیات درست در زمان اجلاس سازمان ملل رخ میدهد و نتانیاهو از همانجا دستور حمله را صادر میکند. بی خاصیتی و ابزاری بودن نهادهای سازمان ملل، این سازمان دولتهای مرتجع طبقه حاکم، حتی نمیتوانند دستجمعی جلوی قلدری و تروریسم نتانیاهو را بگیرند.

حمله تروریست ها به ارتش و نیروی نظامی همدیگر و یا حذف این و آن تروریست، برای ما و مردمی که خود در حال جنگ با تروریست های متفرقه دولتی و اسلامی هستیم، هیچ موجب محکومیتی ندارد. سهل است، فکر میکنیم دنیا بدون آدمکشان حرفه ای و تروریست های دولتی و اسلامی دنیای ایمن تری است. اما تروریسم کور و قتل عام مردم بی دفاع در لبنان و اسرائیل و نسل کشی در غزه از نظر ما جنایت جنگی است و قویاً محکوم است. از نظر ما اهداف این جنگ ارتجاعی و نیروهای حامی طرفین این جنگ محکوم اند و تنها با بپا خاستن طبقه کارگر و مردم منطقه و ایران و اسرائیل علیه دولتها و نیروهای تروریستی و بزیر کشیدن آنان از اریکه قدرت است که افقی برای پایان جنگ و تروریسم باز میکند.

فاز جدید جنگ تروریستی به جبهه لبنان محدود نمی ماند و امکان درگیری شدن نیروهای جنبش اسلام سیاسی و خود رژیم اسلامی را بیش از پیش به این جنگ فراهم میکند. در عین حال، نیروهای جبهه مرتجع موسوم به "محور مقاومت" با زدن مرکز فرماندهی حزب الله دچار یک فروپاشی و واگرایی میشوند. فراخوان خامنه ای به "مسلمانان جهان" برای مقابله با اسرائیل با تحرک بزرگی میان نیروهای اسلامی در منطقه مواجهه نخواهد شد و خود جمهوری اسلامی نیز نمیتواند و نمیخواهد مستقیماً وارد درگیری شود. امروز در تهران سران حکومت احساس امنیت نمیکند. این تناقض عمیق رژیم اسلامی و سیاست تهاجمی دولت اسرائیل، جمهوری اسلامی را در موقعیت بغرنجی قرار داده است. هدف ترور اسماعیل هنیه در تهران، پرووکاسیون برای گسترش جنگ در منطقه و منزوی کردن خواست جهانی پایان نسل کشی در غزه و حل مسئله فلسطین بود. ترور حسن نصرالله و علی کرکی و چندین فرمانده دیگر در بیروت، جنگ در لبنان را با جمهوری اسلامی تشدید کرد و هر پروژه بند و بست دولت پزشکیان با دول غربی را تا اطلاع ثانوی از دستور خارج کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

پیامدهای حمله موشکی سپاه به اسرائیل

خطر بزرگی مردم ایران را تهدید میکند

سیاوش دانشور

حمله موشکی اینبار جمهوری اسلامی به اسرائیل، سرکشیدن "جام زهر" دیگری توسط خامنه ای بود. امری که خیلی تلاش کردند از آن اجتناب کنند. جمهوری اسلامی در تنگنای ضربات مکرر به کمربند ارتجاعی "محور مقاومت" و مهلک ترین آن ترور حسن نصرالله و شماری از رهبری حزب الله، با یک دو راهی مرگبار مواجه شد. عملیاتیهای یکماه اخیر از ترورها در تهران و بیروت و انفجار پیجرها و وسائل ارتباطی تا کشتن حسن نصرالله و اعضای رهبری حزب الله، نشان داد که دوره تقابل در چهارچوبهای پیشین و نوبتی و هماهنگ شده به پایان رسیده و سیاستی تهاجمی جایگزین آن شده است. هدف این سیاست تهاجمی تحمیل تناسب قوای جدیدی به جنبش اسلام سیاسی و تغییر معادلات قدرت در منطقه است. آنچه که "نظم نوین خاورمیانه" نام گرفته است، سیمای خونین خود را بعد از هفت اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون نشان داده است. در این کشمکش و جنگ قرار نیست هیچ نیروی تروریستی نابود شود، آنها باید ضعیف شوند اما در صحنه بمانند. هدف تحمیل یک تناسب قوای جدید در ترتیبات سیاسی و امنیتی خاورمیانه و به این اعتبار در چهارچوب معادلات قدرت بلوک بندیهای جهانی در منطقه است.

جمهوری اسلامی بنا به موقعیت وخیم اش خواهان یک جنگ بزرگ نیست و اگر هم بنا به عقاید ارتجاعی خواهان جنگ باشد، بطور عینی در توانش نیست. اما اینبار نه میتواند سکوت کند و نه میخواست وارد رویارویی مستقیم با دولت اسرائیل شود. شکستن این بن بست سوال کانونهای فکری و استراتژیک رژیم اسلامی بود. فشارهای بیرونی و داخلی، تلاش برای بازسازی باصطلاح عنصر "بازدارندگی"، ممانعت از فروپاشی درونی و همینطور نیروهای "محور مقاومت"، ضرورت انجام اقدامی توسط جمهوری اسلامی را قوی کرد و تصمیم به سمت حمله ای یک مرحله ای و کنترل شده سوق یافت. شلیک صدها موشک بالستیک و هایپرسونیک به سمت اهداف تعیین شده نظامی و امنیتی فی الحال منجر به کشته شدن یک کارگر فلسطینی شده است. اظهارات بعدی سران رژیم مبنی بر عدم پاسخ اسرائیل، نشان میدهد که رژیم به یک راه حل میانی و تاکنون مرسوم رضایت داده است. این حمله از سر ناچاری و برای آبروداری و جلوگیری از صدمات جانبی بیشتر صورت گرفت. اقدامی که قبلاً از جمله به آمریکا و روسیه و چه بسا خود اسرائیل اطلاع داده شده بود. از "چند دقیقه تا چهار و شش ساعت قبل" خبر هست، اما روشن است در زمان کافی اطلاع داده شده بود. در مورد سیاست ناظر بر این حمله رسماً اعلام شد که عملیاتی یک مرحله ای و به اصطلاح تلافی جویانه به بهانه "انتقام اسماعیل هنیه رئیس سابق دفتر سیاسی حماس، حسن نصرالله دبیرکل حزب الله و نیلفروشان معاون عملیات سپاه پاسداران" بود.

اما تمهیدات رژیم اسلامی هرچه باشد، نفس این حمله بهترین هدیه خامنه



ای به نتانیاهو بود. وقتی میگوئیم دولت نژادپرست اسرائیل و اسلام سیاسی در دست هم بازی می کنند و به همدیگر توجیه و پلانفرم میدهند، دقیقاً در باره سیاستها و تاکتیکهای این دو نیروی متخاصم سخن میگوئیم که روشها و اهداف یکسانی را در موارد متعدد دنبال میکنند. امروز فقط نتانیاهو نظر به موقعیت

داخلی، نفی آتش بس در غزه، تداوم اشغالگری و نفی حل مسئله فلسطین، به گسترش جنگ نیاز دارد. دولت اسرائیل و نتانیاهو از این فرصت طلایی که خامنه ای در اختیارش گذاشته است نمیگذرد و درست مانند ۷ اکتبر از آن بهره میجوید. دولت نتانیاهو حتماً پاسخ میدهد و این پاسخ آنطور که زمزمه آن شنیده میشود، حمله به انبارهای موشکی، تاسیسات هسته ای، پدافند هوایی و مراکز نظامی و چه بسا زیرساخت های صنعتی و پالایشگاه های نفتی است. تاسیسات هسته ای جمهوری اسلامی عمدتاً در شهرها و نزدیک مناطق مسکونی قرار دارند. حتی تصور اینکه بمباران چنین مراکزی چه عواقب وحشتناکی برای مردم و محیط زیست و پیامدهای بعدی دارد سخت است.

مستقل از ابعاد ویرانگر چنین حمله ای، نفس این پاسخ سرآغاز یک مرحله تماماً جدید در جنگ جاری و تقابل چند جبهه ای در منطقه خواهد شد. جمهوری اسلامی امیدوار است که با بند و بست این پیچ را رد کند. رژیم جنایتکار اسلامی اما در شرایط و فضای جنگی احساس امنیت بیشتری دارد و خواستهای مطرح در جامعه را به بهانه جنگ و "تجاوز بیگانه" ساده تر سرکوب میکند. خامنه ای در عین حال از تشنیت شدید داخلی و نارضایتی و نفرت عمیق مردم از نظام، شدت وحشت دارد. جنگ میتواند نتایج متفاوتی از جمله تضعیف شدید قدرت مرکزی را بیار آورد و یا با تقابلهای درونی حاد روبرو کند. به همین دلیل جمهوری اسلامی برخلاف شعارهایش محافظه کارانه جلو میرود، حاضر به معامله است و میخواهد با مذاکره و سازش بقای نظام را تضمین کند. هیچ بعید نیست شایعات مربوط فروختن هنیه و نصرالله واقعی باشد، تاریخ بورژوازی و باندهای متفرقه اش مملو از فروختن "دوستان" و "متحدان" دیروز است. اینکه در مقابل چه چیز گرفته اند، تدریجاً بیشتر معلوم میشود.

از جنگ جاری تا جنگ منطقه ای

وقتی در مورد جنگ و تروریسم حرف میزنیم، از ساعت صفر شروع نمیکنیم. خاورمیانه دهه های متمادی است که یک کانون بحران و جنگهای مختلف بوده است. همین الان در چند جبهه از سوریه و لبنان تا فلسطین و اسرائیل و یمن و عراق و ترکیه، جنگ در ابعاد مختلف در جریان است. جنگ اسرائیل در غزه دارد فرعی تر و جنگ در لبنان و تحمیل عقب نشینی به حزب الله به صدر رانده شده است. اما فاز جدید جنگ و خواست گسترش جنگ توسط اسرائیل، جبهه های کنونی را داغ تر و جبهه اصلی یعنی جمهوری اسلامی را وادار به ورود مستقیم میکند. گسترش جنگ از جمله حمله به مناطقی در ایران، امروز در دست دولت اسرائیل و صد البته دولت آمریکا است. اگر آمریکا بتواند و بخواهد مانع حمله اسرائیل شود، گسترش جنگ منتفی

با آغاز جنگ بسرعت نیروهای سیاسی نیز حول برخورد به جنگ پلاریزه میشوند. دو صف بندی رایج بدرجات مختلف شکل میگیرد؛

اول، بلوک مدافع حمله نظامی بمثابه موئتلف و هوراکش ارتش اسرائیل و آمریکا. سلطنت طلبان و بخش مهمی از بورژوازی ایران بشمول بخشی از رژیم و اپوزیسیون حاشیه رژیم روی این موضع میروند. این جنبشی است که "آزادی" را در بمب های ناتو و اسرائیل جستجو میکند و تنها روی دوش ویرانی جامعه و سلطه عنصر استیصال میتواند با روشهای کودتائی و دولت انتقالی و حمایت دولتها به قدرت نزدیک شود. اینها ستون پنجم تروریسم دولتی اند.

دوم، ناسیونال شوونیسم. یک بلوک دیگر رگه های مختلف ناسیونال شوونیسم است که با عبارتهای مختلف "در دفاع از میهن"، طیفهای روسوفیل از توده ایهای سابق و هواداران کنونی روسیه و چین، محور مقاومتی ها که رسماً از جمهوری اسلامی دفاع میکنند، طیف مشهور به "آنتی امپریالیسم" میان رگه هائی از چپ که ناسیونال شوونیسم بستر اصلی را در شکل یک ناسیونالیسم ضد امپریالیستی و دفاع از ارتجاع کوچک فرموله میکنند، به زبانهای مختلف در بلوک مدافع جمهوری اسلامی قرار میگیرند.

سیاست و تاکتیک این دو بلوک تفاوت ماهوی ندارد، هر دو در اهداف جنگ شریکند و هر دو مدافع یک جبهه جنگ و سیاستهای هستند. این نیروها زانده و پروکسی تبلیغاتی و سیاسی طرفین جنگ و مدافعین اهداف ارتجاعی و ضد کارگری و ضد انسانی جنگ هستند. ناسیونال شوونیستهای متفرقه، مدافعان سپاه و خامنه ای و جمهوری اسلامی در مقابل اسرائیل و آمریکا هستند.

جنگ و سیاست کمونیستی کارگری

کمونیسم کارگری، جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، اردوی آزادی و برابری که برای انقلابی زیر و رو کننده و تغییرات سترگ تلاش میکند، نه در اهداف جنگ و نه در صفوف دولتهای تروریست درگیر جنگ و نه سیاست موئتلفین آنها شریک نیست. برعکس، علیه همه آنهاست.

ما در دوره جنگ همان اهدافی را دنبال میکنیم که قبل از جنگ دنبال می کردیم. بورژوازی هم در دوره جنگ اهدافی را دنبال میکند که به روشهای پیشین محقق نشده بودند. ما و طبقه کارگر در دوره جنگ و تشدید مبارزه طبقاتی، اولاً بر منفعت مستقل طبقه کارگر و اهداف کارگری و ضد کاپیتالیستی بیش از پیش تاکید داریم. ثانیاً، در دوره جنگ شرایط کار ما عوض میشود و نه سیاستها و اهدافمان. پاسخ به الزامات مبارزه طبقاتی در دوره جنگ، استفاده از فرصتها برای پیشروی مبارزه مستقل و انقلابی، درک شرایط جدید برای عمل انقلابی و سوسیالیستی، دست بردن به هر اقدامی که نیاز زمانه و شرط تقویت جامعه و جنبشهای پیشرو است، از وظایف کمونیست هاست.

از نظر سیاسی این صفتی است که علیه تبلیغات شوونیستی و ناسیونالیستی و جنگ طلبانه و علیه سیاست دفاع از حکومت اسلامی است. خطی علیه بورژوازی "خودی"، بشدت انقلابی و

پیامدهای حمله موشکی سپاه به اسرائیل

خطر بزرگی مردم ایران را تهدید میکند ...

است و در سطح درگیریهای جبهه ای و تحمیل درجه ای عقب نشینی به نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی برای این دور تمام میشود. اما در صورت حمله اسرائیل که قطعاً با حمایت آمریکا انجام میشود، آنوقت دورنمای خاورمیانه بشدت تاریک و خونین است. تهدیدها و وعده نتانیاها و بلینکن ظاهراً اینست که به جمهوری اسلامی "پاسخ سختی" میدهند و همین پاسخ نقطه عطفی در اوضاع ایران و خاورمیانه خواهد شد.

باید موكداً تاکید کرد که چنین جنگی مردم ایران را قوی نمیکند بلکه به جمهوری اسلامی و سلطه ننگین اش فرصت میدهد. جنگ تروریست های دولتی و اسلامی، علیه مبارزات انقلابی مردم است و فی الحال نگرانی شدید را به جامعه تزریق کرده است. این جنگ، جنگ دو دولت و ارتش ها و جبهه های هم مرز نیست، موشک پرانی و بمباران و تروریسم هوایی و مجازات جمعی شیوه طرفین درگیر است. این جنگ تروریسم و میلیتاریسم و قلدری و قانون جنگل و نیروهای ارتجاعی را تقویت میکند و مخاطرات وسیعی برای جامعه و مردمی دارد که تلاش دارند رژیم اسلامی را سرنگون کنند.

کمونیست ها و دوره جنگ، مخاطرات پیش رو

جنگ نقطه ای از تشدید مبارزه طبقاتی است. تشدید جدالها و رقابتهای درون بورژوازی، مواجهه با بحران های لاینحل و سوالاتی که به طرق متعارف پاسخی نیافته اند، بازتعریف چهارچوبها و معادلات قدرت و حوزه نفوذ، مسائل ژئوپولیتیکی و اقتصادی و غیره به جنگ در سطوح مختلف بمثابه شکلی از تقابل و رقابت منجر میشود. جنگ بلافاصله با ویرانی، تلفات انسانی، تبعات ناشی از تشعشعات رادیواکتیو، نابودی زیرساخت ها، عقب بردن جامعه و تشدید سرکوب سیاسی، فروپاشی اقتصاد و مهارهای مملکت بدرجات مختلف همراه است. پیامدهای بلافاصله و کوتاه مدت جنگ به تنش و جدال درون حکومتی دامن میزند و امکان تغییر در بالا و حذف و کودتا علیه همدیگر را افزایش میدهد. جنگ دوره جدیدی با مکانیزم و روشهای خود است، در جنگ امکاناتی از دست میروند و ممکن است امکانات جدیدی ایجاد شوند. جنگ و انقلاب دو روش طبقات اجتماعی برای مواجهه با مسائل مهمی بوده است که نیاز به تعیین تکلیف در یک درازمدت دارند. خروجی جنگ ثابت نیست، جنگ بورژواها و تروریست ها میتواند شرایطی ایجاد کند که مردم این جوامع فرصت پیدا کنند تا علیه دیکتاتوریهای دهها ساله در منطقه بپاخیزند. جنگ میتواند عنصر استیصال در جامعه را نهادی کند و مقدمات یک سناریوی سیاه و خانمانی نظامی در کشور را فراهم کند. اینکه جامعه در زمان جنگ به کدام سمت میروند تابع پراتیک اجتماعی و انقلابی و آگاهانه نیروهائی است که منفعت و سیاست و برنامه شان با نیروهای مرتجع و تروریست درگیر جنگ و موئتلفین داخلی و خارجی آنها متمایز است.

دو صفتندی ارتجاعی در مقابل جنگ

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

در یک نگاه

نگتان باد

رحمان حسین زاده

طیفی از "تحلیلگران و مفسران و ژورنالیستهای" معلوم الحال در رسانه ها و تلویزیونهای مختلف فارسی زبان اینروزها با لحن جانبدارانه پاسخ ارتش اسرائیل به موشک پراکنی کذایی جمهوری اسلامی را بررسی میکنند. با خونسردی امکان موشک باران و بمباران "پالایشگاهها و مؤسسات نفت و گاز و برق" در ایران را وقیحانه ضربه مؤثر به جمهوری اسلامی و اقتصاد آن میدانند. از این هم غافل نیستند طوطی وار و با سمپاتی تکرار کنند که "جو بایدن" به دولت اسرائیل هشدار داده که "نباید به مراکز اتمی" جمهوری اسلامی حمله شود. براستی به اینها چه باید گفت؟ در یک کلام نگتان باد!

در کشمکش نظامی جاری دولتهای تروریست اسرائیل و جمهوری اسلامی، حمایت از ارتش اسرائیل و دولت دست راستی نتانیاهو و آزروی ریختن موشک و بمب از جمله بر روی "مؤسسات نفت و گاز و برق" سناریوی مورد علاقه همین حضرات مرتجع و ابن الوقت و اپوزیسیون راست پروغربی اعم از رضا پهلوی و حواریون مشروطه طلب، طیفی از جمهوریخواهان و فدرالیستها، چپ پروغربی و متأسفانه جریانی است که اسم "حزب کمونیست کارگری" را یدک میکند. متوجه هستند اما خم به ابرو نمی آورند که زدن "مؤسسات نفت و گاز و برق" شیرازه زندگی مردم را به هم میریزد. به روی نامبارک خود نمی آورند که مصائب و لطمات بزرگ و کمرشکنی را به شرایط دردناک تحمیل شده توسط جمهوری اسلامی میفزاید. اپوزیسیون ضد مردمی و راست پروغربی به بمب و موشک دولتهای تروریست اسرائیل و آمریکا متکی اند، تا بر متن به هم ریخته شدن شیرازه اجتماعی جامعه و ایجاد سناریوی سیاه و تحمیل استیصال به مردم، خودشان به نان و نوا و "جمهوری و مشروطه شان" برسند.

اینها عناصر تحمیل سناریوی سیاه و آینده تاریک بر جامعه ایران هستند. به سهم خود بارها تأکید داشته ام؛ "بخشهایی از اپوزیسیون بورژوازی ارتجاعی به جنگ دولت اسرائیل با جمهوری اسلامی امید بسته اند. در عین حال بخشهایی هم در کنار جمهوری اسلامی و نزدیک به "محور مقاومت اسلامی" هستند. هر دو بخش این جریانات ارتجاعی را باید افشا و منزوی کرد. ما علیه شرایط جنگی و این جنگ ارتجاعی هستیم. با این وجود در صورت وقوع چنین جنگ ویرانگری، نباید اجازه داد به بهانه پروپاگاند جمهوری اسلامی و بخشی از ناسیونالیسم ایرانی تحت لوای "دفاع از خاک و میهن" جنبش سرنگونی و اعتراضی لطمه بخورد و کند شود. برعکس لازمست ما در صف مقدم جنبش سرنگونی برای پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی مجدانه تلاش کنیم. در شرایط جنگ تحمیل شده با اتکا به سنت کمونیستی و لنینی علیه "بورژوازی خودی" نباید تردیدی کرد و پشتش را باید به زمین کوبید. با پایان عمر جمهوری اسلامی یک طرف این جنگ و تروریسم در منطقه جارو

میشود و آن وقت مستمسکی برای شعله ور نگهداشتن جنگ و تروریسم دولتهای اسرائیل و آمریکا در منطقه باقی نمی ماند. آنوقت محکمتر میتوان دست تروریسم و جنگ طلبی دولت اسرائیل و آمریکا و حامیانشان را از سر مردم ایران و منطقه کوتاه کرد. سهل تر میتوان اپوزیسیون راست پروغربی و طرحهای ارتجاعی آنها را منزوی و به حاشیه راند.

پیامدهای حمله موشکی سپاه به اسرائیل

خطر بزرگی مردم ایران را تهدید میکند...

سرنگونی طلب، علیه افقهای محدود و ارتجاعی ناسیونالیستی، سیاستی انترناسیونالیستی برای دفاع از کارگران و مردم آزادیخواه در منطقه و جهان، مسئول در مقابل فرقه ها و نیروهای سناریوی سیاهی که چنین اوضاعی شریط خوبی برای رشد آنهاست، آمادگی برای مواجهه با تغییرات و هر خلأ قدرتی که ممکن است در هر مقطع رخ بدهد و جایگزینی آن با قدرت مستقیم کارگری و توده ای و انقلابی، نقد و افشا و منزوی کردن خطوط دست راستی و زانده های ارتشهای تروریستی از وظایف فوری کمونیست ها در این دوره مشخص است.

آنچه که روشن است دوره اسلام و حکومت اسلامی در ایران و به تبع آن در کشورهای منطقه رو به اتمام است. این مهم با جنگ اسرائیل و آمریکا محقق نمیشود. آنها خود مدافعان دو آتشه مذاهب و صنعت دین و از سازندگان و حامیان نیروهای تروییستی اسلامی اند. این کار زنان شورشی و انقلابی، کار نسل جدید، مشخص تر کار طبقه کارگر سوسیالیست و صف حزب کمونیستی کارگری است که بساط دین را از ایران ریشه کن و فرصتی برای یک بازسازی سکولار و پیشرو در منطقه ایجاد کند. در جنگ تروریستها هر سمت پیروز شود، جبهه کارگر و مردم انقلابی ضعیف میشوند.

رهبران کارگری و کمونیست ها باید در ایندوره برای سلب قدرت از بورژوازی تلاش شان را متمرکز کنند. تضعیف حکومت و سرنگونی در روند جنگ یک امر محتمل است. قدرت سیاسی در ایندوره ممکن است در بالا هم دست بدست شود. هر تغییری با هر عنوانی اعم از حذف و کودتا و غیره در بالا، بازی جدیدی را شروع میکند و فرصتی به نیروهای انقلابی و رهبران کارگری و جنبشهای اجتماعی میدهد که در کشمکش بر سر آینده و قدرت سیاسی نیروی خود را بمیدان بیاوریم.

۲ اکتبر ۲۰۲۴

به حزب حکمتیست کمک مالی کنید!

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



آن، حکمهای اعدامی است که در برابر قتل و بخاطر مجازات قاتلین داده شده که خود همان هم ایراد دارد. یعنی شما نمیتوانید بگویید که من قتل را با قتل پاسخ میدهم. اگر قتل بد است

چرا شما قتل را با قتل پاسخ میدهی؟ اگر قتل قانونی است و میشود کسی را به حکم قانون کشت، چرا یک نفر دیگر هم نمیتواند تصمیم بگیرد که او هم میتواند بنابراین کس دیگری را به حکم چیز دیگری بکشد؟ تقدس این که یک عده دولت تشکیل داده اند چیست که به اینها اجازه میدهد که بطور مجاز آدم بکشند و برای مثال به عشایر اجازه نمیدهد آدم بکشند، به خانواده ها اجازه نمیدهد آدم بکشند، به اقشار و افراد اجازه نمیدهد آدم بکشند. دولت به یک دلیل آدمکشی خودش را توجیه میکند و قاتل هم به یک دلیل دیگر... هر دو اینها منفور است و باید بنظر من لغو بشود. همانطور که جلوی قتل مردم را توسط افراد میگیریم، باید جلوی قتلشان توسط ادارات هم بگیریم. دولت چیزی بیشتر از یک اداره، نهاد دلخواهی آنها نیست. هیچ چیزی به دولت حق نمیدهد که کسی را آگاهانه و با نقشه قبلی بکشد.

آذر ماجدی: شما در پاسختان بیشتر به جنبه سیاسی و استفاده سیاسی از مجازات اعدام اشاره کردید که دولتها برای مرعوب کردن مردم میگویند و بعضا به مساله استفاده از مجازات اعدام برای مجازات قاتلین. منتها آیا به این صورت است که چون دولتها دارند از ابزار مجازات اعدام استفاده میکنند برای سرکوب جامعه، پس کلا مجازات اعدام را باید کنار گذاشت؟

منصور حکمت: نه! نه! قتل آدمی مجاز نیست. این را باید بشر بالاخره آخر قرن ۲۰ اول قرن ۲۱ فهمیده باشد که کشتن یک انسان مجاز نیست. درست نیست. قبول نیست. نمیشود این کار را کرد. اسم خودت را بگذاری دولت هم نمیتوانی این کار را بکنی. اسم خودت را بگذاری امام هم نمیتوانی این کار را بکنی. اسم خودت را بگذاری سازمان ملل هم نمیتوانی این کار را بکنی. اسم خودت را هر چه بگذاری اجازه نداری انسانی را بکشی. اگر این حکم جا بیفتد تازه بحث از اینجا شروع میشود که چرا دولتها میگویند، چرا عشایر میگویند، چرا پدرها میگویند، چرا شوهرها میگویند، چرا معتادها و فروشندگان مواد مخدر و باندهای قاچاق میگویند، چرا ارتشها میگویند... آنوقت این بحث دیگری است. ولی فرض اساسی این است که آدمی را نباید کُشت. کسی اجازه ندارد جان کسی را بگیرد. چه دولت باشد. چه فرد باشد چه خاندان باشد چه عشیره. این واقعیت اگر قبول بشود آنوقت راجع به جنبه‌های مختلفی مثل اینکه دولتها چرا میگویند، افراد چرا میگویند، جنایتهای روزمره در جامعه چه هستند، جنایتهای اخلاقی چه هستند، جنایتهای سیاسی چه هستند، میشود حرف زد. ولی حکمی که به نظر من پشت بحث لغو مجازات اعدام هست این است که کسی حق ندارد به هیچ بهانه‌ای کسی را بیجان بکند، با نقشه قبلی و طرح قبلی. قتل عمد قبول نیست. قتل عمد مجاز نیست. من قتل عمد را میگویم برای اینکه ممکن است بطور غیر عمد آنها مثلا در تصادف رانندگی و یا در وقایع

صفحه ۷

لغو مجازات اعدام

متن پیاده شده مصاحبه با رادیو انترناسیونال

هشتم نوامبر ۲۰۰۰

آذر ماجدی: برنامه حزب کمونیست کارگری ایران، یک دنیای بهتر، بر ضرورت لغو مجازات اعدام تاکید کرده. میخواستم از شما بپرسم چرا حزب کمونیست کارگری ایران تاکید دارد بر این که باید مجازات اعدام بکلی لغو بشود؟

منصور حکمت: خیلی روشن است. مجازات اعدام قتل عمد است. از پیش تصمیم میگیرند کسی را بکشند و میروند سر روز معینی طی مراسمی میکشند. این برای کسی که با قتل نفس مخالف است یک عقیده طبیعی و یک نتیجه منطقی است که بگوید مجازات اعدام باید لغو بشود، چون این هم یک جور قتل نفس آگاهانه با نقشه قبلی است.

آذر ماجدی: ولی از مجازات اعدام به عنوان در واقع مجازات قاتلین صحبت میشود و مجازات اعدام را به نوعی سدی میدانند در مقابل بالا رفتن جنایت در جامعه. نظر شما در این مورد چیست؟

منصور حکمت: این به نظر من حرف پوچی است. اولاً بطور عینی رابطه بین اعدام و موارد قتل در جامعه، به آن صورت نیست. اگر شما بیاورید کشتارهایی که توسط دولتها شده، کسانی را که دولتها گرفته‌اند و جلوی دیوار گذاشته‌اند و تیرباران کرده‌اند و به دار کشیده‌اند، در یک ستون بنویسد و ببینید چند نفر از اینها کسانی بوده‌اند که به جرم قتل دستگیر شده بودند، میبینید رابطه جدی بین اینها نیست. آنها را به جرمهای مختلف گرفته‌اند، به بهانه‌های مختلف گرفته‌اند و کشته‌اند. این کار حکومتها است که در طول تاریخ شهروندان و اهالی را سر جای خودشان بنشانند، به تمکین بکشانند، به اطاعت از دولت بکشانند و جلوی مخالفتها را بگیرند. در جاهایی هم اصلاً به جرمهایی نظیر اینکه به مذهب دیگری تعلق داری، به قومیت دیگری تعلق داری، خونت خون دیگری است، روش زندگیت روش دیگری است... آدمها را گرفته‌اند و کشته‌اند. وقتی که آلمان نازی میلیونها نفر را میبرد به اتاقهای گاز، و همه از کودک و پیر و جوان را با گاز میکشند، آنها جرمی نکرده‌اند. اگر شما ستون به اصطلاح قربانیان حکومتها را مقایسه کنید با لیست کسانی که به جرم قتل گرفته و مجازات شده‌اند، میبینید ربطی بین اینها نیست.

اعدام ابزاری است در دست حکومتها برای ترساندن اهالی، برای سر جای خود نشاندن اهالی... بخشا هم توسط سیستمهای قضایی برای مقابله با جرائم بکار میرود. فقط هم جرم قتل نیست که با اعدام پاسخ میگیرد. در خیلی کشورها اقدام علیه امنیت کشور، اهانت به ساحت فلان پیغمبر و امام و آخوند، داشتن فلان روش زندگی، مثلاً مصرف مشروبات الکلی با اعدام جواب میگیرد. خیلی جاها روابط جنسی آنها با اعدام جواب میگیرد. احتکار در شرایط کمبود مواد غذایی با اعدام جواب میگیرد. اعدام چیزی نیست که فقط در مقابل قتل گرفته‌اند. فقط گوشه ناچیزی از

اعدام قتل عمد دولتی است!

لغو مجازات اعدام

من پیاده شده مصاحبه با رادیو انترناسیونال ...

دیگری باعث مرگ دیگری بشوند. ولی آن بحث دیگری است. کسی که تصمیم میگیرد کسی را بکشد قاتل به عمد است اعم از اینکه دولت باشد یا دولت نباشد. وقتی به چیزی میگویند مجازات اعدام انگار دارند پرده پوشی میکنند که خیلی ساده یک قتل دارد اتفاق میافتد. یک روز صبح یک نفر آلت قتاله را برمیدارد، مقتول بعدی را میبرد جایی مینشاند و میگذرد. به همین سادگی! با نقشه قبلی! این دیگر قبول نیست. حالا آن کس هر کاری کرده است، شما که دیگر او را گرفته‌ای و میتوانی هراز و یک کار با او بکنی بجز کشتنش، و علیرغم این تصمیم میگیری که بگشی، خودت قاتل هستی. فرقی نمیکند.

آدر ماجدی: ببینید اینجا مساله این میشود که کسانی که عزیزی را از دست داده‌اند یعنی کسی عزیزشان را گشته است، بخصوص وقتی ما راجع به بچه‌ها فکر میکنیم، پدر و مادری که بچه‌شان را کسی به قتل رسانده، تجاوز کرده و بقتل رسانده... کسانی هستند که به اصطلاح "سریال" میکشند، به چندین زن و یا بچه تجاوز میکنند... با اینها چه باید کرد؟

منصور حکمت: به نظر من نفرت برحق همه ما از چنین کسانی بجای خودش محفوظ است. خشمی که آدمها حس میکنند کاملاً قابل درک است. اصلاً غیر قابل تحمل است غم کسی که بچه‌اش را در چنین واقعه‌ای از دست میدهد یا عزیزش را به هر حال از دست میدهد. در این هیچ شکی نیست. ولی سؤال این است. آیا انتقام جواب مساله است؟ و آیا سیستم قضایی کشور باید بر مبنای خشمی باشد که ما بعنوان قربانی حس میکنیم یا بر مبنای عقلمان و این که چه چیزی بطور دراز مدت و در نهایت از نظر اصولی برای جامعه بهتر است؟ اگر شما بخواهید قانونگزاری را بدست قربانیان بسپارید، همه چیز جامعه بشکل دیگری صورت میگیرد. خشم میشود مبنای روابط انسانها و انتقام میشود مبنای مناسباتشان. در عین اینکه قربانی حق دارد خشمگین باشد و همه درک میکنند که ضایعه‌ای که به او وارد شده چقدر طاقت فرساست... در عین حال باید گفت که به همین دلیل دقیقاً مساله مهمی مثل رابطه انسان و جامعه انسانی با خودش، مساله حق حیات را نباید به کسانی سپرد که دقیقاً عزیزی را از دست داده‌اند... باید جامعه بتواند از خودش فاصله بگیرد و بگوید با این حال، علیرغم همه این فشار، آیا ما به خودمان اجازه میدهیم که حالا کس دیگری را بکشیم یا نه؟ به نظر من بحث داغ قربانیان به جای خودش محفوظ، مبنای قضایی مجازات در جامعه نمیتواند انتقام یا تسکین دادن...

آدر ماجدی: ... مینا چی باید باشد؟

منصور حکمت: ... مینا باید جلوگیری از این باشد که این اتفاق دوباره تکرار بشود... مینا باید جلوگیری از این باشد که آن آدم بتواند دوباره این کار را بکند. مینا باید این باشد که این اتفاق بطور کلی کمتر در جامعه رخ بدهد... جامعه‌ای که اعدام میکند همیشه هم پُر از قتل است. این را باید در نظر گرفت. آمریکا نمونه‌اش است. میگذرد و از آن طرف هم

طرف مقابل میگذرد. کسی که دارد آدمی را میگذرد، در آن لحظه که دارد این کار میکند، دیگر به مجازات فکر نمیکند. یا قیدش را زده است یا فکر میکند دستگیر نمیشود. بالاخره کسی که دارد آدمی را میگذرد یا از خشم و ناراحتی کور شده، یا اینکه با نقشه و طرح قبلی میخواهد کسی را بگذرد و لابد فکر میکند که گیر نمیافتد. اعدام جواب رشد جنایات در جامعه نیست. باید زمینه‌هایش را از بین برد و جلویش را گرفت. کاری که میشود کرد این است جامعه را از چنین اتفاقاتی مصون کرد، مواردش را کم کرد و کاری کرد که آدمی که این کار را کرده به قیح مسأله پی ببرد و اصلاح بشود و از جامعه بخشش خودش را بخواهد. وقتی در دراز مدت به مساله نگاه کنید، اگر کسی نگران این است که چقدر بچه‌ها، زنان، مردم ضعیف‌تر قربانی جنایاتی از این دست میشوند، باید فکر جامعه‌ای باشد در آن این حالت رخ نمیدهد و اعدام ابداً راهش نیست. اعدام نسخه‌ای است برای اینکه این قتلها ادامه داشته باشد، این تجاوزات و اجحافات ادامه داشته باشد. اگر جامعه‌ای میخواهد که درش قتل و بعد هم مجازاتی نباشد باید خود قانون انسانی باشد، باید با در نظر گرفتن حقوق بشر باشد. و تجربه هم نشان داده که در کشورهایی که مجازات اعدام لغو شده و حتی برای قتل هم کسی را اعدام نمیکند، موارد قتل کمتر از کشورهایی است مثل آمریکا که مرکز مجازات اعدام است و جنایت و اسلحه کشیدن بر روی همدیگر هم هر روز اتفاق میافتد.

آدر ماجدی: شما به این اشاره کردید که انتقام یا پاسخگویی به خشم قربانیان نباید مبنای تنظیم سیستم قضایی یک کشور باشد و مجازات بر آن مبنا تعیین بشود. ولی آیا جوابگیری احساسات این قربانیان نباید بالاخره به نوعی در این سیستم قضایی دخالت پیدا بکند؟

منصور حکمت: به نظر من آنچه که قربانی احتیاج دارد، محبت عمیق جامعه است به خودش و اینکه وضعیتش را درک میکند و اینکه ارزش حمایت میکند و اینکه درآغوشش میگیرد و تسلیش میدهد. این با این که چه رفتاری با قاتل میکنیم ربط زیادی ندارد. کسی که میخواهد از طریق کشتن قاتل نشان بدهد که جان عزیزش برای جامعه مهم بوده، میخواهد بگوید که ببینید که این فلان کس را از ما کشت، یا فلان عزیز ما را کشت، جامعه با کشتن قاتل به من نشان بدهد که به این مساله اهمیت میدهد، نشان بدهد که جایگاه زیادی برای قربانی قاتل بوده، نشان بدهد که این عزیز من برای جامعه هم عزیز بوده... این البته امتداد صاحب خون و دعوی خون بین خانواده‌ها و عشایر و قبایل هست. ولی بالاخره کسی که کسی را از دست میدهد میخواهد که جامعه این ضایعه را عمیقاً حس کند و نشان بدهد که حس کرده و برایش ارزش قائل باشد. جامعه میتواند به طرق دیگری این را نشان بدهد. به نظر من دفاع از قربانی و اگر یک دفاع واقعی از قربانی باشد، اگر تسلی واقعی باشد و اگر بزرگداشت جدی از کسانی باشد که در این اتفاقات از دست میروند باشد... اگر خانواده‌ها و بازماندگان نشان تحت یک حمایت جدی مادی و معنوی از طرف جامعه قرار بگیرند، آن خشم کانالیزه میشود به سمت دیگری، به سمت ریشه‌های این جنایات... به سمت عللی که باعث میشود این پدیده‌ها رخ بدهد. بجای اینکه شخصی را به رسم قربانی بخواهند و بگویند چون تو این کس را از دست داده‌ای ما این آدم را جلوی چشم تو تکه پاره میکنیم تا تسلی پیدا کنی. این به آدم تسلی نمیدهد. خیلی‌ها این طور تسلی نمیگیرند. نمیتوانید با کشتن قاتل قربانی را زنده کنید و برگردانید. ممکن است طرف احساس کند که انتقامش را گرفته است. اما انتقام گرفتن جواب آن ضایعه را نمیدهد. راههای دیگری

لغو مجازات اعدام

من پیاده شده مصاحبه با رادیو انترناسیونال ...

کرده‌اند. به نظر من آخوندها و پاسداران و کسانی که این حکومت را سر پا نگذاشتند و با کشت و کشتار تا اینجا آورده‌اند، باید خودشان را به مردم تسلیم کنند و امیدوار باشند که مردم این عدالت را آنطور که ما می‌گوییم اجرا میکنند. حزب کمونیست کارگری اگر در صف مقدم چنین انقلابی باشد، که می‌خواهد که باشد و می‌رود که باشد، اگر نفوذی داشته باشد برای این نبرد که امیدواریم داشته باشد، حتماً از مردم خواهد خواست که اینها را اعدام نکنند، اینها را نگذند، مثل یک جامعه قرن بیست و یکمی متمدن محاکمه کنند، اسناد جنایاتشان را به مردم جهان نشان بدهند و کاری کنند که دیگر هیچ جای دنیا جمهوری اسلامی هیچوقت نتواند سر بگیرد، با نمایش کتافاتی که اینها کردند... این که خود این آدمهای حقیر به چه روزی درمی‌آیند به نظر من ما میتوانیم بگذاریم یک گوشه‌ای زندگی‌شان را بکنند. بالاخره باید مجازاتی را پس بدهند ولی قتل و یا اعدام جواب اینها نیست. جامعه میتواند اینها و ماهیتشان را آشکار بکند و این مهمتر از هر چیز دیگری است.

آذر ماجدی: شاید سؤالی که میکنم کمی از کل بحث جدا باشد، ولی از آنجا که به بحث محاکمه مقامات جمهوری اسلامی برمیگردد، آیا با چنین نسخه‌ای به سازشکاری در مقابل جنایتکاران مردم متهم نخواهید شد یا اینکه مثل آرژانتین نمیشود که در واقع تمام قتلها و کشتارها فراموش شد و یک دولت آشتی ملی باصطلاح سر کار آمد...

منصور حکمت: اید! ما اصلاً طرفدار بخشیدن سران جمهوری اسلامی نیستیم ما طرفدار محاکمه‌شان هستیم. چیزی که ما می‌گوییم این است که مردم ایران میتوانند یک گام اساسی در راه گسترش مدنیت بردارند. اگر مجازات اعدام را از لیست مجازات سران جمهوری اسلامی حذف کنند. جامعه‌ای که اعدام میکند نمیتواند به یک جامعه انسانی اعتلا پیدا کند. معلوم است که کسی که می‌خواهیم مجازاتش کنیم جنایتکار بزرگی است از الان این را میدانیم. خیلی از اسنادش فی الحال معلوم است. اینها دارند عاقدانه و عالمانه آدم میکشند. بیست سی سال است زن و مرد جامعه را از حقوق انسانی‌شان محروم کرده‌اند. کسانی را از مذاهب دیگر، به همین جرم کشته‌اند. در نتیجه در این شکی نیست که ما با یک عده جنایتکار ظریف و آن ردیف متهمینی که در آن محاکمات خواهند نشست و تلویزیونهای جهان نشانشان میدهند، یک عده آمدند که لیاقت زندگی در میان مردم ایران را ندارند در این شکی نیست. ولی با نشان دادن این که مجازات اعدام جزو لیست مجازاتهایی که ما می‌خواهیم اعمال کنیم نیست، به نظر من جامعه ایران یک گام بزرگ، بسیار بزرگ، به جلو برمی‌دارد. یک گام بسیار برمی‌دارد به دوران پس از این عقب ماندگی‌ها و یک مملکت خیلی متمدن و آزاد و خوبی میشود برای زندگی. فکر میکنم مردم میتوانند اینها را محاکمه کنند ولی اعدام نکنند. باید اینطور باشد. اگر بخواهند واقعا اعدام کنند باید دهها هزار نفر را بگیرند و اعدام کنند. این خونی که می‌پاشد برای روند پیروزی مردم حتی زیانبار است. باید گرفتارشان، محاکمه‌شان کرد، کوچکترین سازشی در حقشان نکرد ولی نباید اعدامشان کرد. اعدام کاری نیست که بشر متمدن در یک سیستم قضایی است میکند و مردم مردم متمدنی هستند.

آذر ماجدی: آیا شما همان سیاستی که در آفریقای جنوبی دنبال شد را در مقابل مقامات جمهوری اسلامی توصیه میکنید؟

هست برای اینکه آن آدمهایی که کسی را از دست داده‌اند حس کنند که جامعه عزیزشان میدارد، با آنهاست، کنارشان است، غمشان را درک میکند، کمکشان میکند که بتوانند از چنین اتفاق ناگوار و طاقت فرسایی عبور کنند و زندگی‌شان را ادامه بدهند. راهش کشتن طرف مقابل نیست. این کار فقط به سیکل بکش بکش ادامه میدهد که الان توی این جامعه رایج است. بگذارید این را بگویم. الان مجازات اعدام در خیلی از کشورها هست. واقعا مساله قتل را حل کرده است؟ واقعا خانواده‌های مقتولین را آرام کرده؟ واقعا بار کسی را سبک کرده؟ جز این که یک روز در یک صحنه شنیع کسی را خُرکش میکنند میبرند زیر چوبه دار یا میندند به یک صندلی و آگاهانه با نقشه قبلی توسط یک کارمند دولت میکشندش، چیزی بدست نیاورده. اگر آمریکا با اعدامهایش باعث شده بود که آن کشور مملکت صلح و صفا بشود آنوقت شاید میشد گفت که این کار تاثیر دارد. در کشوری مثل جمهوری اسلامی، بزرگترین قاتل خود دولت است و جالب است که عدالت را هم از خود بزرگترین قاتل جامعه میخواهند. دولت اجازه ندارد کسی را بگیرد و بکشد. تا چه برسد به آن دولتی خودش باید در مسند اتهام بنشیند بخاطر نسل کشی‌های عظیمی که کرده.

آذر ماجدی: البته حساب دولتهایی مثل جمهوری اسلامی معمولاً در این مباحث جداساز از بعضا جایی که مدرن است و از مجازات اعدام برای قاتلین صحبت میکنیم. متأسفانه وقتمان کم است و من حتماً میخواهم سؤال دیگری را از شما ببرسم. بحث بر سر مجازات اعدام بخاطر سیاست مطرح شد و شما کاملاً این را رد کردید. حالا اگر از آنطرف معادله نگاه کنیم. الان مردم زیادی هستند که قربانی به جمهوری داده اند. جمهوری اسلامی کسان زیادی را اعدام کرده و این مردم منتظر روزی هستند که بتوانند جواب عدالت را بگیرند، که مقامات جمهوری اسلامی را در صندلی محاکمه ببینند و مجازاتی را که حقشان است بگیرند. الان با لغو مجازات اعدام یعنی ما عملاً این مجازات را برای تمام قاتلین و شکنجه گران جمهوری اسلامی کنار می‌گذاریم. آیا بنظر شما این برای مردم ایران قابل پذیرش خواهد بود؟

منصور حکمت: به نظر من اگر مردم ایران انقلاب کنند که دارند میکنند، و سران جمهوری اسلامی را بگیرند، که خواهند گرفت و بعد نشان بدهند که اینها را نمیکشند بلکه حقارتشان را به نمایش میگذارند، بسیار تاثیر عظیمتری در سرنوشت جهان میگذارند تا اینکه رفسنجانی و خامنه‌ای را خُرکش بکنند و اعدامشان بکنند. آن ممکن است برای آدمی یک لحظه تسلی باشد که این جنایتکاران را به این روز در آورده‌اند. ولی بطور واقعی اگر سران جمهوری اسلامی را بگیرند، محاکمه بکنند و با جنایاتشان روبرو بکنند و بگذارند بشریت این را ببیند و بعد این آدمها را در جایی که واقعا حقشان است یعنی در موضع پس دادن تقاص جنایاتشان، بصورت خدمت به جامعه، کار برای جامعه و محروم بودن از محبت جامعه قرار بدهند، به نظر من کار عظیمتری

لغو مجازات اعدام

من پیاده شده مصاحبه با رادیو انترناسیونال ...

منصور حکمت: ایدا! ایدا! آفریقای جنوبی یک سازش سیاسی بود هیچکدام از دو طرف زورشان بهم نمیرسید. آن کار را کردند برای اینکه که به اصطلاح آن طرف به گناهان خود اعتراف کند و از پیش میدانستند که این طرف هم باید آنها را ببخشد. صحبت من بر سر بخشیدن نیست. وقتی مردم اینها را میگیرند اینها کوچکترین نیرویی برای مقاومت ندارند. باید بیایند به جنایاتشان اعتراف کنند، شرایط و علل کارهایشان را توضیح بدهند، و از مردم تقاضای بخشش بکنند. مردم قطعاً زندانشان میکنند ولی اعدامشان نمیکند، اگر ما نفوذ داشته باشیم بر این روند و مردم خط ما را قبول کنند. ما اعدام را در دستور نمیگذاریم. ایدا صحبت بخشیدنشان نیست. اینها قابل بخشش نیستند. باید با عدالت مردم روبرو بشوند ولی این عدالت مردم است که باید کشتن آگاهانه و عامدانه حتی جنایتکارترین آدمها را از دستور کارش خارج کند.*

این نوشته توسط خسرو داور از روی نوار گفتار رادیویی پیاده شده است: ۲۸ نوامبر ۲۰۰۴ توجه کنید که حتی نقل قول مستقیم از این نوشته، هنوز نقل قول غیر مستقیم از منصور حکمت است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست گسترش جنگ و تروریسم هوائی و میلیتاریزه کردن بیشتر منطقه توسط دولتهای تروریستی را محکوم میکند. فراخوان ما به طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه جهان اینست که در مقابل قلدری و تروریسم دولتی اسرائیل و موئتلفینش برای توقف فوری نسل کشی در غزه و حل مسئله فلسطین بمیدان بیایند. ما و مردم آزادیخواه در ایران و منطقه، کنار هیچ سوی این جدال تروریستی قرار نمیگیریم. درعین حال باید از هر تناسب قوای جدید برای گسترش مبارزه مستقل و انقلابی علیه جمهوری اسلامی بهره جست. منفعت ما و طبقه کارگر در پایان دادن به جنگ تروریستها، سرنگونی جمهوری اسلامی و دولتهای مستبد و آدمکش، گسترش مبارزه برابری طلبانه و سوسیالیستی کارگران و مردم منطقه علیه نظم کنونی و دولتهای مرتجع حافظ آنست. فراخوان ما به کارگران و مردم آزادیخواه ایران اینست که با تشدید مبارزه انقلابی علیه تبلیغات جنگی و قلدری نظامی بایستیم. منفعت مردم در ایران و کشورهای منطقه هیچوقت توسط تروریستهای متفرقه دولتی و غیردولتی نمایندگی نشده و نمیشود. سیاست انقلابی علیه جنگ تروریست ها و اهداف ارتجاعی آنهاست. برای مبارزه با تروریسم باید دولتهای تروریستی را بزیر کشید و نیروهای تروریستی را از میدان بدر کرد. تنها گسترش مبارزه جنبشهای سکولار و پیشرو، جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب میتوانند تروریسم و میلیتاریسم را منزوی و شکست دهند.

نه به تروریسم دولتی، نه به تروریسم اسلامی!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



در همین سیستم موجود میتوان قاتل را حبس کرد. در یک جامعه ایده آل شاید بشود مردم را از تکرار جرم توسط او مصون کرد، تلاش کرد قیح کارش را به او فهماند، بدون آنکه حتی لازم باشد آزادی اش را هم از او سلب کنند. در یک جامعه ایده آل شاید بشود کاری کرد که قتل عمد رخ ندهد.

مجازات اعدام

شنیع ترین شکل قتل عمد است

خاوران: حزب کمونیست کارگری در اسناد خود به صراحت از ضرورت لغو اعدام سخن گفته است، اما شما از چه زاویه و نگاهی و با چه تحلیلی لغو اعدام را ضروری میدانید؟

خاوران: حزب کمونیست کارگری ایران با پاسداران و شکنجه گرانی که در درگیریها اسیر می شوند، در صورتیکه ثابت شود دستشان بخون مردم آلوده است چگونه رفتار خواهد کرد؟

منصور حکمت: در قوانین مورد نظر ما اعدام و حبس ابد نیست. قاعدتا این آدمها را باید به حبس محکوم کرد و رویشان کار کرد شاید بتوانند روزی به آغوش جامعه برگردند و کاری کنند مردم ببخشندشان.

خاوران: با اعدام نکردن قاتل، عدالت درباره ی خانواده مقتول چگونه اجراء می شود؟

منصور حکمت: اینکه خانواده مقتول صاحب خون است، و عدالت، طلبی است که خانواده مقتول از جامعه دارد، یک مفهوم عشیرتی و عقب مانده و غیر قابل پذیرش است. غم و داغ خانواده مقتول انکار ناپذیر است. اما اگر اعدام بخاطر تسکین غم و داغ افراد مجاز باشد، چرا خود قتل به بهانه احساساتی مشابه مجاز نیست؟ آیا کسی که توسط دیگری تحقیر و خرد شده، خانه خراب شده، معتاد شده، و رشکست شده، دربردر شده، میتواند برای تسکین احساس تلخ درونی خود دست به قتل او بزند؟ آیا دولت آدمکش مجازی است که افراد برای گرفتن انتقام به آن مراجعه میکنند؟ آیا عدالت مفهومی است که جای انتقام عشیرتی نشسته است؟ در مورد مفهوم عدالت شاید باید در فرصت دیگری بیشتر حرف زد. این مقوله آنقدرها که بعضی فکر میکنند ابژکتیو و ماوراء طبقاتی نیست.

خاوران: آیا با لغو مجازات اعدام، درجه ی جنایت در جامعه بالا نخواهد رفت؟

منصور حکمت: خیر. برعکس. همانطور که گفتیم همان اول کار جلوی یک لیست بالابند قتل های دولتی گرفته میشود. دادگستری و دولت آمریکا پرکارترین قاتل حرفه ای آن کشور است. لغو مجازات اعدام مانند اینست که ۱۵۰ قاتل سریال یکجا دستگیر شده باشند! ثانیاً، جامعه ای که کشتن انسانها را مطابق قانون مجاز کرده باشد هرگز نمیتواند جلوی تکرار همین عمل در میان اهالی را بگیرد. لغو حکم اعدام و اعلام ارزش جان آدمی، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است. آمارهای رسمی هم به روشنی نشان میدهد که در هلند و اسکانندیناوی و انگلستان که مجازات اعدام ممنوع است، آمار قتل (به نسبت جمعیت) به مراتب کمتر از آمریکاست.

صفحه ۱۱

منصور حکمت: مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هردو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائقه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجانبی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

خاوران: با لغو مجازات اعدام، جنایتکاران قاتل چگونه باید کیفر ببینند؟

منصور حکمت: سوال جالبی است. با لغو مجازات اعدام همان اول جلوی یک قاتل عمده، یعنی دولت، که هیچوقت هم بخاطر قتل نفس کیفر ندیده است گرفته میشود. سوال شما این تصور را بوجود میآورد که گویا مجازات اعدام را برای کیفر دادن قاتلین ابداع کرده اند. یا گویا این مجازاتی است که قانونگذاران پس از غور و تفحص با جرم قتل متناسب یافته اند. اما مجازات اعدام ربطی به مساله قتل در جامعه ندارد. تاریخ خودش را دارد. حقوق و قدرت دولتهای امروز در برابر اهالی، امتداد حقوق و قدرت دولتهای دیروز است. وقتی آغا محمد خان قاجار تمام اهالی یک شهر را کور میکند و میکشد، مشغول کیفر دادن کسی بخاطر فراری را اعدام میکنند، مشغول کیفر دادن کسی به معنی قضایی کلمه نیستند. بلکه صاف و ساده دارند مردم را سرچاپشان مینشانند، دارند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند ارباب میکنند. دارند حکومت میکنند. در همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکس غیر مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت ها شهروندانشان را میکشند. باید جلوی این را گرفت.

میرسید اگر مجازات اعدام نباشد باید با قاتلین چه کرد. کشتن قاتل تکرار قتل است. ما میگوئیم این یک کار را بهیچوجه نمیشود کرد. اینکه چه کار دیگری میشود کرد بستگی به فلسفه قضایی جامعه دارد.

اعدام قتل عمد دولتی است!

مجازات اعدام

شیع ترین شکل قتل عمد است ...

منصور حکمت: قدرتی که از نظر حقوقی مشروعیت داشته باشد. حکومت های استبدادی بنا به تعریف مشروعیت ندارند. بنظر من برای محاکمه ژنرال شوارتسکف ها و بن لادن ها میتوان در همین جهان بورژوازی هم دادگاههای قابل قبولی یافت یا ایجاد کرد.

خاوران: اگر جواب مثبت است در آنصورت تعریف شما از زندانی سیاسی چیست؟

منصور حکمت: بنظر من دو مقوله زندانی سیاسی و اسیر جنگی وجود دارد که هر دو به این بحث مربوط است. زندانی سیاسی کسی است که بجرم مخالفتش با دولت مربوطه زندانی شده است. زندانی سیاسی بنا به تعریف باید آزاد بشود. محاکمه ای نباید در کار باشد. کسی که علیه حکومتی فعالیت سیاسی کرده است اصلا نباید دستگیر بشود. اسیر جنگی هم جرمی نکرده و نباید از حقوق مدنی خود و از جمله آزادی خود محروم بشود. و این فقط موضوعی میان دولت ها نیست. بنظر من اعضای سازمانهای چریکی که به دولتها اعلام جنگ داده اند و در عملیات نظامی دستگیر میشوند باید از حقوق اسرای جنگی برخوردار باشند. قوانین موجود باید عمیقا به نفع این اسرا تغییر کند. بنظر من زندانی کردن فرد و جلوگیری از زندگی متعارف او باید ممنوع باشد. اما میتواند قوانینی وجود داشته باشد که تا پایان جنگ و یا تا مطمئن شدن از عدم تمایل فرد به شرکت مجدد در جنگ، مانع الحاق مجدد او به ارتشش بشود. و بالاخره قطعا مقوله ای به اسم جنایت جنگی داریم. این مقوله باید جدا باز تعریف بشود و تمام مواردی که نیرویی افراد غیر نظامی و وسائل زیستی و رفاهی آنها را مورد تعرض قرار میدهند را در بر بگیرد. در این سالهای اخیر شاهد وسیعترین جنایات جنگی توسط ارتشهای دول غربی و محلی در کشورهای مختلف، مانند عراق و یوگسلاوی، بوده ایم. جنایتکاران جنگی بسیاری امروز بعنوان رهبران و قهرمانان ملی و فرزندان وطنپرست ملل و اقوام مختلف راست راست میان مردم راه میروند که میبایست شاهد محاکمه آنها باشیم.

خاوران: علل اصرار و اشتیاق مسلمانان بنیادگرا به کشتن و حذف فیزیکی مخالفان خود بویژه دگراندیشان را در چه میدانید؟

منصور حکمت: اینکه آیا کسی اول به آدمکشی علاقمند میشود و بعد مسلمان بنیادگرا میشود و یا برعکس اول مسلمان بنیادگرا میشود و بعد به حکم شرع انور آدمکش میشود، چیزی است که من ابزار تحقیق و موشکافی در آن را ندارم. ولی مطمئنم پاسخ یکجایی در همین یک جمله شما نهفته است.

* * *

این مطلب در شماره ۷ فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران، پائیز ۱۳۷۹ با عنوان "چرا مجازات اعدام؟ نگاه منصور حکمت به مقوله لغو اعدام" بچاپ رسیده است.

خاوران: بنظر شما مجازات جنایتکاران برای رسیدن به چه هدفی باید انجام گیرد؟

منصور حکمت: نمیدانم آیا اصولا کلمه مجازات کلمه خوبی برای یک سیستم قضایی انسانی هست یا خیر. بنظر من، بحث پیشگیری و از بین بردن زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جنایت به کنار، اولاً، جامعه باید با حداقل اعمال خشونت و با حداقل سلب اجازه زندگی متعارف از مجرمین، خود را از تکرار جرم توسط آنها مصون کند. ثانیاً، کمک کند این افراد متحول بشوند. بنظر من مجازاتهای انتقامی و عبرت آموزانه باید لغو بشود. باید بجایی برسیم که جامعه چنان از خشونت فاصله بگیرد که به موارد خشونت مثل بلایای طبیعی رفتار کند، به کمک قربانیان بشتابد، سعی کند از موارد بعدی آن جلوگیری کند و یا خسارات آن را به حداقل برساند، بی آنکه کسی را به رسم قربانی در آتشفشان بیاندازد و یا به دریا تازبانه بزند.

خاوران: اگر لغو مجازات اعدام، یکی هم به دلیل ارزش نهادن به گوهر انسان و حق حیات آن است، در آنصورت خواست آزادی زندانیان سیاسی ای که در اثر عملیاتشان انسانهای بی گناه کشته شده اند، چگونه باید دنبال شود؟ مثلاً با مبارزی که در اثر بمب گذاری در اتوبوس و یا مکانی دیگر، موجب کشته شدن یک یا چند نفر شده است چه باید کرد؟ آیا باید خواستار آزادی او شد؟

منصور حکمت: من آدمی را که در اتوبوس و هواپیمای مردم بمب گذاشته باشد مبارز اطلاق نمیکنم. متأسفانه در یک دوره معین این روش در برخی جنبشهای حق طلبانه باب شد و بعد توسط برخی جنبشهای ارتجاعی به یک هنر آدمکشی تحت لوای سیاست ارتقاء داده شد. یک فرمول کلی در قبال اینها ندارم. بستگی به دولتی دارد که اینها با آن در حال جنگ هستند. بستگی به موازین قضایی کشور مربوطه و مشروعیت حقوقی آن دارد. بستگی به شرایط وقوع این اتفاق دارد. بنظر من پرونده بمببیت هایی که به اهداف غیر نظامی حمله کرده اند یک پرونده سیاسی نیست. ممکن است دلایل مخفیه سیاسی برای وقوع جرم ارائه و بشود و حتی ترتیب اثر داده بشود، اما خود پرونده یک پرونده سیاسی نیست. منتهی یک چیز را یادآوری کنم. اگر بنا باشد کسانی را که با بمب به مردم غیر نظامی حمله کرده اند بگیرند و محاکمه کنند، هفت هشت رئیس جمهور و نخست وزیر غربی و صدها بوروکرات و ژنرال و فرمانده آمریکایی و اروپایی در ردیف اول متهمین خواهند بود. من فرقی میان تیموتی مک وای که در اوکلاهما آن جنایت عظیم را کرد با کسانی که بمب روی پناهگاه و خانه و مدرسه مردم بغداد انداختند و آن همه را کشتند نمی بینم.

خاوران: اگر جواب منفی است در آنصورت چه قدرتی باید او را محاکمه کند؟

به حزب حکمتیست کمک مالی کنید!

آزادی، برابری، رفاه!

The massacre of workers in Tabas Mines in Iran is due to the negligence of employers and the government!

On the evening of 21 Saturday September, 52 workers died in the Tabas coal mine, 22 were injured. This is not a natural and unexpected incident! This is a mass massacre and a crime against the working class! A class whose life has no value for the employer and the bourgeois government. The high number of killings of workers in mining accidents, construction works, chemical and petrochemical industries, and workers in metal smelting furnaces shows the continuation of this mass killing.

The forensic doctor has announced that only in 2022, more than 1,900 workers lost their lives due to work accidents 2 days before the disaster, the workers had noticed methane gas leakage due to "eye burning, throat burning and nausea", but no one took their symptoms seriously and this disaster occurred. The workers told the representatives of contractors that the work place is dangerous and it was impossible to work safely. The contractor representative replied that if they couldn't work, they should collect their wages and go home. The workers did not leave for fear of unemployment, they stayed and worked. After the explosion the contractors came to the mine and asked the bodies to be removed from there!

During the last week thousands of people showed their solidarity with worker's family, including nurses and pensioners demand the justice for workers in their daily protests. Workers from Semnan Coal mine was in strike for two days demanding safety of work place and justice for workers of Tabas Coal mine.

We, in the Committee of solidarity with the Iranian workers movement, send our condolences to the families of the workers. We condemn this negligence towards the lives of workers and the lack of safety measures in the work place. We call on the Iranian government and the Iranian judicial system to take accountability to compensate the family of all the workers, and the ministry of labour in Iran to implement the sufficient safety measurement in all work places.

SWIW Committee

2 October 2024

کشتار کارگران معادن طبس در ایران ناشی از بی توجهی کارفرمایان و دولت است!

عصر روز شنبه ۳۱ شهریورماه، ۵۲ کارگر در معدن زغال سنگ طبس جان باختند و ۲۲ نفر مجروح شدند. این یک حادثه طبیعی و غیرمنتظره نبود! این یک قتل دستجمعی و جنایت علیه طبقه کارگر است؛ طبقه ای که زندگی و جانش برای کارفرماها و دولت بورژوازی ارزشی ندارد. آمار بالای کشته شدن کارگران در حوادث معدنی، ساختمانی، صنایع شیمیایی و پتروشیمی و کارگران کوره های ذوب فلزات نشان از تداوم این کشتار دسته جمعی دارد.

پزشک قانونی اعلام کرده است که تنها در سال ۲۰۲۲ بیش از ۱۹۰۰ کارگر بر اثر حوادث کار، جان خود را از دست دادند. دو روز قبل از فاجعه اخیر، کارگران متوجه نشت گاز متان به دلیل "سوزش چشم، سوزش گلو و حالت تهوع" شده بودند، اما هیچکس این علائم که کارگران به آن اشاره کرده بودند را جدی نگرفت و فاجعه رخ داد. کارگران به نمایندگان پیمانکاران معدن گفته بودند که محل کار خطرناک است و ایمنی کار وجود ندارد. اما پاسخ نمایندگان پیمانکاران این بود که اگر نمی توانید کار کنید، دستمزدتان را بگیرید و به خانه تان برگردید. کارگران اما از ترس بیکاری، ماندند و کار کردند. سپس، بعد از انفجار، پیمانکاران به معدن آمدند و دستور دادند که اجساد کارگران را از آنجا خارج کنند!

در هفته گذشته هزاران نفر همبستگی خود را با خانواده های کارگران کشته شده اعلام کردند؛ از جمله پرستاران و بازنشستگان در اعتراضات روزانه خود خواستار اجرای عدالت برای کارگران طبس شدند. کارگران معدن زغال سنگ سمنان به مدت دو روز اعتصاب کردند و خواستار رعایت استاندارد های ایمنی محل کار و عدالت برای کارگران معدن زغال سنگ طبس شدند.

ما در "کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران" به خانواده های کارگران کشته شده در معدن طبس تسلیت می گوئیم.

ما بی توجهی به جان کارگران و عدم رعایت استانداردهای ایمنی در محل کار را محکوم می کنیم. ما از دولت ایران و سیستم قضایی ایران می خواهیم که پاسخگو باشند و به خانواده های کارگران جان باخته غرامت بپردازند، و از وزارت کار ایران می خواهیم که استانداردهای ایمنی در محیط کار را اجرایی کند.

کمیته همبستگی با جنبش کارگران ایران

دوم اکتبر ۲۰۲۴

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

مطالبات خود بار دیگر بر اهم خواسته‌های خود مانند: حذف کامل سقف حقوق، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی و استرداد مزاد مالیات کسر شده دست به تجمع اعتراضی زدند.

اجتماع اعتراضی کارگران فولاد زرنند

روز یکشنبه ۸ مهرماه، کارگران فولاد زرنند در اعتراض به عدم دریافت کارانه یا پاداش تولید خود در ۷ کیلومتری جاده زرنند کرمان مقابل وردی کارخانه فولاد زرنند ایرانیان تجمع اعتراضی برپا کردند. هکارگران این شرکت مرتب حقوق معوقه دارند و برای نقد کردن حقوق ها ناچار به اعتصاب هستند.

اعتصاب کارگران فولاد مادکوش بندرعباس

روز یکشنبه ۸ مهرماه، کارگران شرکت فولاد مادکوش بندرعباس دومین روز اعتصابات خود علیه بی‌عدالتی و تبعیض را با مسدود کردن راه‌های منتهی به کارخانه برگزار کردند. کارگران نسبت به سطح پایین حقوق و عدم پرداخت به موقع دستمزد و مزایا معترض هستند و خواستار پاسخگویی مسئولان به مطالبات شغلی و معیشتی خود شدند.

اعتصاب واحدهای فولادسازی چادرمولوی اردکان

روز سه شنبه ۱۰ مهرماه، کارگران و پرسنل واحدهای فولادسازی و احیای مجتمع صنعتی چادرمولوی اردکان در یزد دست به اعتصاب زدند.

انتخابات انجمن صنفی پالایشگاه نهم پارس جنوبی

انتخابات انجمن صنفی کارگران پیمانکاری پالایشگاه نهم پارس جنوبی با شرکت بیش از ۷۳ درصد از کارگران برگزار شد. این انتخابات که برای تعیین نمایندگان کارگران پیمانکاری در نهاد کارگری پالایشگاه نهم برگزار میشد از ساعت پنج صبح هشتم مهر با شروع اولین نوبت کاری آغاز و تا ساعت یازده شب ادامه داشت. انتخابات پالایشگاه نهم در شروع دومین دوره از انتخابات انجمن های صنفی کارگران پیمانکاری در پالایشگاه های گاز پارس جنوبی می باشد که در روزهای آینده انتخابات در پالایشگاه های دیگر هم برگزار خواهد نمود.

اجتماع سراسری مخابرات بازنشستگان مخابرات

روز دوشنبه ۹ مهرماه، اجتماعات سراسری بازنشستگان مخابرات در شهرهای؛ کرمانشاه، اهواز، تبریز، تهران، اردبیل، ایلام، همدان، بروجرد، مازندران، هرمزگان، آذربایجان غربی، مریوان، لرستان، بیجارکردستان، اصفهان و... برگزار شد.

اجتماع سراسری بازنشستگان مقابل نهاد ریاست جمهوری

شنبه ۷ مهر ۱۴۰۳ در تهران بازنشستگان مقابل نهاد ریاست جمهوری باران اجتماع اعتراضی برپا کردند. این اجتماع علیرغم هوای بد و باران شدید با شعارهای؛ "گرانی تورم شکسته پشت مردم"، "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است"، "فریاد فریاد از این همه بیداد" و ... ادامه یافت.

اجتماع بازنشستگان صنعت نفت آبادان

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

تعداد جانبختگان معدن طیس به ۵۲ نفر رسید

با کمال تأسف یکی دیگر از کارگران مصدوم جنایت معدن طیس در بیمارستان یزد جانبخت و تعداد جانبختگان معدن طیس به ۵۲ نفر رسید. انفجاری که در ۳۱ شهریور در معدن طیس رخ داد غیر از تعداد کشته شده گان ۱۶ کارگر شدیداً مصدوم شدند که تاکنون سه نفر از آنان جانبختند و سه کارگر دیگر دچار مرگ مغزی شده اند. خانواده های کارگران جانبخته از بی تفاوتی و بی کفایتی مسئولان کشور میگویند و اینکه کمترین توجهی در قبال این فاجعه بزرگ نداشتند. اعتماد آنلین از قول یک کارگر تعمیرات معدن و از نجات یافتگان انفجار معدن طیس مینویسد: "معدن هرچه کشته داده بیرون آورده اند و دیگر کسی زیر آوار نیست. طبق آنچه اخبار اعلام کرده ۵۵ نفر کشته اعلام کرده اند، کسی که مرده‌ها را می‌شست البته عدد بالاتری را می‌گفت".

اجتماعات و اعتراضات کارگران نفت و گاز

روز نهم مهرماه، کارگران رسمی عملیاتی در شرکت‌های مختلف نفت و گاز در جنوب تجمع اعتراضی برپا کردند. این مراکز از جمله شرکت نفت و گاز پارس عسلویه (سایت ۱) شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، سکوی ۴۰ گانه POGC، پالایشگاه گاز فجر جم، سکوی عملیاتی نصر منطقه سیری و شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی SPOGC را شامل می شد. خواست کارگران در دوشنبه های اعتراضی عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی و استرداد مزاد مالیات کسر شده میباشد.

اجتماعات کارگران پالایشگاههای گاز پارس جنوبی

روز دهم مهرماه، کارگران پالایشگاههای گاز پارس جنوبی برای نهمین هفته متوالی در ادامه سه شنبه های اعتراضی دست به تجمع زدند و بار دیگر مطالبات خود را مطرح کردند. مطالبات اساسی کارگران بر محور بازگشت به کار حجت رضایی نماینده اخراجی خود، اجرای توافقات قبلی در رابطه با مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ، تغییر شرایط تردد و دستمزد رانندگان استیجاری و اجرای طرح طبقه بندی برای رانندگان غیر مالک، اجرای بدون تبعیض ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی، اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل برای همه کارگران پیمانکاری میباشد.

اعتراض کارگران رسمی در پالایشگاه دهم گاز پارس جنوبی

چهارشنبه ۱۱ مهر، کارگران رسمی در پالایشگاه دهم مجتمع گاز پارس جنوبی SPOGC در عسلویه، در اعتراض به عدم پاسخگویی به

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی کرمانشاه
یکشنبه ۸ مهرماه، بازنشستگان شهر کرمانشاه در مقابل تامین اجتماعی دست به تجمع و اعتراض زدند. بازنشستگان شعار میدادند؛ "معدنکاران طبس تسلیمیت تسلیمیت"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد"، "معیشت، سلامت، حق مسلم ماست" و "بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن!"

اعتراض فعالان محیط زیست در تهران
روز سه شنبه ۱۰ مهرماه، تجمع اعتراضی فعالان محیط زیست در مقابل شورای شهر تهران برگزار شد. خواست این تجمع مقابله با پارک خواری و "توقف پارک خواری" بود.

بازهم قتل کارگران، اینبار در کارخانه گریس سازی
سه شنبه ۱۰ مهرماه، بدلیل انفجار مخزن در کارخانه ای در شهرک صنعتی بستان آباد واقع در آذربایجان شرقی، یک کارگر کشته و ۳ کارگر دیگر مصدوم شدند. انفجار حین جوشکاری رخ داده است.

پرستاران مراسم دولتی را بایکوت کردند
"همایش روز پرستار" در آذربایجان شرقی با بایکوت گسترده و غیبت وسیع پرستاران در سالن خالی برگزار شد. پرستاران با دست زدن به بایکوت و تحریم مراسم "همایش روز پرستار" بر نارضایتی عمیق و تداوم اعتراض خود تاکید کردند.

روز شنبه ۷ مهرماه، بازنشستگان صنعت نفت آبادان، اهواز و بوشهر برای پیگیری خواستههای خود در مقابل وزارت نفت دست به تجمع زدند.

اجتماع بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز
روز یکشنبه ۸ مهرماه، تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز خوزستان مقابل ساختمان سازمان تامین اجتماعی در میدان کارگر برگزار شد.

اجتماع بازنشستگان فولاد در اصفهان
روز یکشنبه ۸ مهرماه، در ادامه اجتماعات یکشنبه های اعتراضی، بازنشستگان فولاد در خیابان نشاط اصفهان تجمع کردند. بازنشستگان شعار میدادند؛ "دولت دروغگو، حاصل وعده هات کو؟؟؟"، "معیشت و درمان، نابودتر از هر زمان"، "اجرای آئین نامه بدون حرف و بهانه" و "فولادی داد بزن حقتو فریاد بزن!"

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوش
روز یکشنبه ۸ مهرماه، بازنشستگان شهر شوش در اعتراض به فقر و نداری، در اعتراض به گرانی، تورم و فساد، در اعتراض به غارت و دزدی، در اعتراض به دستمزد های ناچیز و نامناسب، در اعتراض به نبود، رفاه، آسایش و آزادی تجمع کردند و شعار دادند؛ "از خوزستان تا تهران، ننگ بر این مدیران!". بازنشستگان شوش در این تجمع با حمل بنری با کارگران جانبخته در معدن طبس اعلام همبستگی کردند و شعار دادند، "کارگر عزیزم تسلیمیت تسلیمیت"، "کارگر معدنچی تسلیمیت تسلیمیت!"

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب

کمونیست کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲ سرداری
۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲ پروین کابلی
۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹ رحمان حسین زاده
۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷ ملکه عزتی

www.hekmatist.org
حزب کمونیست ایران - حکمت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

کمونیسم تنها راه نجات بشریت است!

Stop the War now!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

تراژدی معدن طبس در هیاهوی فضای جنگی ...

مختلف، به دانشجویان دانشگاه هنر تهران که به طرق مختلف با معدنچیان طبس ابراز همدردی و همبستگی کردند و کارفرمایان را مسئول قتل کارگران دانستند درود میفرستیم. این همبستگی کارگری و ادعاینامه علیه کارفرمایان حیاتی است.

پرونده معدن طبس و امر تامین استانداردهای ایمنی کار نمیتواند فراموش شود و یقه نظام و کارفرمایان متفرقه را خواهد گرفت. اجازه ندهیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران متفرقه قتل دستجمعی کارگران معدن طبس را به حاشیه برانند. جنایت مشمول زمان نمیشود و بانیان آن باید پاسخ بدهند. یاد کارگران جانباخته معدن طبس را گرامی میداریم.

۳ اکتبر ۲۰۲۴



No to State Terrorism! No to Islamic terrorism!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

Stop the Collective punishment of Palestinians!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

ستون آخر،

تراژدی معدن طبس
در هیاهوی فضای جنگی

خطری وجود ندارد"، از هشدارهای متعدد کارگران و حتی سرپرستان مینی بر تجمیع گاز متان میگویند. آنها همینطور به بی توجهی مفرط و بی

کفایتی مسئولین اشاره دارند که حتی برای دلجوئی از قربانیان سراغشان نرفته اند. در این میان هیاهوی ارتجاعی اعلام عزای عمومی برای اسماعیل هنیه و حسن نصرالله، انتقال زخمی های حزب الله لبنان با هواپیمای اختصاصی به بیمارستانهای ایران، متقابلاً دریافت پول از خانواده ها برای دفن کارگران جانباخته و تلاش مرتب مسئولین برای رفع مسئولیت از کارفرما و پیمانکار گویای همه چیز است. وقتی مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان برای کارگران جانباخته و ۵۰ میلیون تومان برای کارگران مصدوم را با اختلاسهای نجومی و سود سرمایه داران و حقوق عمال درجه چندم رژیم مقایسه می کنید، تنها باید به درهم کوبیدن کل بنیادهای این نظم کثیف و ضد انسانی فکر کرد و برای آن آماده شد.

کمرنگ شدن تراژدی معدن طبس در میان هیاهوی ارتجاعی و فضای جنگی و موشک پرانی، گوشه ای از کمرنگ شدن موقت امر مبارزه انقلابی با جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با موج نگرانی و حالت انتظاری است که این فضای جنگی به مردم ایران تحمیل کرده است. ماحصل این سیاست به فراموشی سپردن فاجعه معدن طبس و تداوم کار در معادن بمتابه قتلگاه است.

به کارگران معدن طزره کرمان که بدلیل ناایمن بودن محیط کار دست به اعتصاب زدند و تا تامین ایمنی کار سرکارشان برنگشتند، به کارگران شاغل و بازنشسته در شهرهای

خبرگزاری حکومتی ایلنا گوشه کوچکی از پرده جنایت در معدن طبس را بالا برده است. این سرنخی به وضعیت واقعی معدنچیان و ماهیت عمیقاً ضد کارگری حکومت اسلامی سرمایه داران است. در انفجار معدن تاکنون به روایت آمار رسمی دولتی ۵۲ نفر و به روایت غیر رسمی که از زبان کارگران در "اعتماد آنلاین" منتشر شده است، ۵۵ نفر جانباخته اند.

کارگرانی که قربانی سودپرستی کارفرمایان و پیمانکاران شدند شرایط شان این بود؛

"کارگران «معدنجو» در ماه دو هفته کار می کنند و دو هفته برای استراحت به خانه هایشان می روند. در آن دو هفته کار، زمان استراحت را در یک اتاق کوچک ۱۴ نفره که نامش را خوابگاه می گذارند، می مانند و تخت هم به اندازه کافی وجود ندارد. در آن دو هفته ای که باید برای استراحت به خانه هایشان بروند، اکثرشان کار دیگری برای خود دست و پا می کنند تا سر ماه بتوانند از پس خرج و مخارج خانواده بریبایند. می گویند قرار است به خانواده های کارگران کشته شده علی الحساب ۲۰۰ میلیون تومان و کارگران آسیب دیده ۵۰ میلیون تومان بدهند. ۲۰۰ میلیون تومان، در ازای جان کارگر، یک شوخی تلخ بزرگ است".

وقتی به سخنان خانواده های کارگران جانباخته گوش می دهید، همه از عمدی بودن این فاجعه، از فشار کارفرما و مسئول بلوک ها که پیمانکاران هستند و گفتند "کارگران باید سر کار بروند و هیچ

آدرسهای تماس با حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidvegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

ملکه عزتی

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته گردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر این شماره: سیاوش دانشور

saidvegane@gmail.com

هفتگی کمونیست

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، ملکه عزتی، پروین کابلی، ناصر مرادی، هلاله طاهری، سیوان کریمی

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatis

Hekmatist.org

@hekmatis1917

@hekmatis pary

PARTOW TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!